

بررسی سبک‌شناسی قصاید سلیمی تونی

علی آذرگون^۱

چکیده:

تاج‌الدین حسن بن سلیمان تونی، معروف به سلیمی تونی، شاعر قرن نهم و از مشهورترین شعرای منقبت‌سرای شیعی محسوب می‌شود. در این زمینه، سلیمی تونی یکی از ستون‌های اصلی حلقه ادبی است. محتوای اشعار وی، مدایح و مناقب پیامبر (ص)، علی (ع)، خاندان رسالت و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. تحقیقات شایان توجهی درباره این شاعر بزرگ، بویژه در قصایدش صورت نگرفته است. با توجه به اینکه سلیمی تونی، شاعری قصیده‌سرا بوده و تحولاتی را در این قالب شعری به وجود آورده است، بنابراین در این مقاله برآنیم تا ویژگی‌های سبک‌شناسی و نوآوری‌هایی را که شاعر در اشعارش داشته است، در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بررسی نماییم. در این پژوهش، پس از بررسی نمونه‌های مختلف در قصاید شاعر، به شیوه توصیفی - تحلیلی، ویژگی‌های بارز شعر سلیمی به دست آمد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: کاربرد زیاد واژه‌های عربی، استفاده از ترکیبات متنوع، استقبال از شاعران پیشین، به‌کارگیری اشارات و اصطلاحات گوناگون، پای‌بندی به باورهای اسلامی و مذهب تشیع و توجه به انواع صور خیال، افزایش دقت خیال و یافتن مضمون‌های تازه.

واژه‌های کلیدی: سلیمی تونی، سبک‌شناسی، قصاید، قافیه، ردیف، موسیقی

^۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

۱-۱ مقدمه

تاج‌الدین حسن متخلص به سلیمی، فرزند سلیمان «از مشاهیر شعرای قرن نهم بود و مردی سلیم و نیکونهاد به‌شمار می‌رفت، او شاعری زبردست بوده و در مدح ائمهٔ قصاید غراً سروده است و مخصوصاً ولایت‌نامه‌های او معروف است و وی از مردم تون و ساکن سبزوار بود و در آغاز کار عمل‌داری می‌کرد. و روزی براتی بی‌جا بر بیوه‌زنی بنوشت. آن زن نزد او رفت و گفت: این برات ناموجه به حکم که بر من نوشته‌ای؟ گفت: به حکم سیدفخرالدین وزیر، اگر روز رستاخیز دامت بگیرم و تو گویی که به حکم سیدفخرالدین ظلم کرده‌ای، خدا از تو می‌پذیرد؟ این سخن دردی در نهاد او افکند و قلم و دوات را زیر سنگ گذاشت و شکست و توبه کرد که گرد حرام‌خواری و عمل-داری نگردد، و از آن پس جزو صالحان و درویشان بود و به حج رفت و سرانجام هنگامی که عازم مشهد بود، در ولایت جهان‌وارغیان در ۸۵۴ درگذشت و جسد او را به سبزوار بردند و در آنجا به خاک سپردند.» (نفیسی، ۱۳۴۴: ۳۰۱-۳۰۲)

«مولانا حسن سلیمی، محب خانندان طیبین، مداح آل یاسین، مستحسن‌الاخلاق صمیمی، واثق رحمت حضرت کریمی، مولانا حسن سلیمی، صاحب طبع سلیم و ذهن مستقیم بوده، خوش‌فهم، راست-فکرت، یکروی و یکدل است و همیشه در منقبت آل کوشیده، بدایت احوال عامل بوده، خصوص در زمان فخرالدین وزیر، عاقبت از آن امر استعفا جسته، بقیهٔ حیات در مدح خاندان طیبین نقد عمر صرف نموده، به غایت شاعری صاحب قدرت بلندفطرت است. وفاتش در شهر سنهٔ اربع و خمسين و ثمان مائه (۸۵۴) است.» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۸۶۰)

دیوان سلیمی تونی، از اشعار خوب ادبیات فارسی است که مشتمل بر قصیده، ترکیب بند، مسمط، مثنوی و قطعه است.

در این مقاله، از میان قالب‌های شعری دیوان او، قصایدش از نظر سبکی براساس نظریهٔ شمیسا مورد بررسی قرار گرفته است. او شصت و هفت قصیده دارد که موضوع آن‌ها بیشتر در مورد نعت پیامبر (ص) و چهارده معصوم (ع)، چند ولایت‌نامه در مناقب امیرالمومنین (ع)، مدح و شهادت امام رضا (ع) و معجزاتی از حضرت رسول (ص) می‌باشد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

در زمینه سبک‌شناسی، به صورت کلی، کتب و مقالات زیادی نوشته شده که ذکر نام آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد؛ اما به صورت خاص، در مورد سبک‌شناسی شعر سلیمی تونی، پژوهشی صورت نگرفته است. نگارنده بنابر اهمیت و ارزش موضوع، دست به این کار زده‌است تا گامی هرچند کوتاه در جهت رفع این مسأله مهم در حوزه سبک‌شناسی برداشته باشد و نوشتن این مقاله هم در راستای چنین امری بوده است. از جمله کارهای تحقیقی که در مورد سلیمی تونی صورت گرفته است، می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

۱- ایرانی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی بر دیوان سلیمی تونی» به بررسی سلیمی تونی و احوالات او پرداخته است.

۲- پورجم و حسینی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تخیل‌شناسی شعر و نقاشی «ضامن آهو» در آثار سلیمی تونی و محمود فرشچیان (براساس نظریه ژیلبردوران)» در این مقاله با استفاده از روش طبقه‌بندی تخیل نزد ژیلبردوران، به بررسی صورت‌های تخیلی در قصیده «ولایت‌نامه» و تحلیل تخیل در نشانه‌های دیداری موجود در تابلوی «در حریم حفاظت» پرداخته‌اند.

۳- الهی‌زاده، شیخی و علیزاده بیرجندی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «حوادث و رویدادهای شیعی در شعر سلیمی تونی»، به بررسی و تبیین حوادث و رویدادهای شیعی در دیوان سلیمی تونی، با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تبیینی پرداخته‌اند.

۴- مختاری و رحیمی دمیچی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «سیمای امام حسین (ع) در دیوان سلیمی تونی»، در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع دینی و کتاب‌های مرجع تشیع، به بررسی بازتاب سیمای دینی و الهی امام سوم شیعیان در اشعار نامبرده پرداخته‌اند.

۱-۳ روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای است و یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده‌اند که ابتدا قصاید سلیمی تونی مورد مطالعه قرار گرفت و نمونه‌های موجود از حیث سبک‌شناسی، فیش‌برداری گردید و پس از طبقه‌بندی، با مراجعه به کتب و مقالات، به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شد.

سبک سلیمی تونی در قصاید

قصاید سلیمی تونی را مثل هر منظومه شعری، از سه دیدگاه می‌توان بررسی کرد: دیدگاه زبانی، فکری و ادبی.

۱- سطح زبانی

۱-۱. بررسی قصاید در سطح آوایی

مهم‌ترین عامل سازنده شعر، موسیقی و وزن است و یکی از حالاتی که زیان می‌تواند برجسته و عادت‌زدا گردد، زمانی است که در بستر موسیقی جریان داشته، به وسیله موسیقی از گفتار عادی متمایز گردد. «موسیقی شعر، دامنه پهنایی دارد. گویا نخستین عاملی که مایه رستاخیز کلمه‌ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی واداشته است، همین کاربرد موسیقی در نظام واژه‌ها بوده است. انسان ابتدایی، رستاخیز واژه‌ها را نخستین بار در عرصه وزن با همراهی زبان و موسیقی به هنگام کار احساس کرده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۸)

موسیقی بیرونی: منظور از موسیقی بیرونی، همان وزن عروضی شعر است. سلیمی تونی در سرودن قصاید خود از هفت وزن بهره می‌گیرد که بیشتر از اوزان مشهور شعر فارسی است. بیشترین بسامد اوزان قصاید سلیمی تونی، متعلق به بحر رمل است و از بحر رجز مثنوی مطوی مخبون، تنها یک بار استفاده شده است.

موسیقی کناری: از مجموع ۶۷ قصیده‌ای که در دیوان وی آمده است، ۵۶ قصیده بدون ردیف و ۱۱ قصیده دارای ردیف هستند. ۷ قصیده وی به صورت اسمی و ۴ قصیده به صورت فعلی است. همه قصایدش دارای قافیه اسمی هستند و در ردیف بیشتر گرایش به افعال ساده دارد و با استفاده صحیح از این موسیقی کناری، به اشعار خود، آب و رنگی خاص بخشیده است.

در قصاید سلیمی تونی، حروف «ا» بیست بار، «ر» نوزده بار، «ن» هیجده بار، «ل» سه بار، «م»، «ف» دو بار، «د» و «ق» هر کدام یک بار به عنوان حرف روی، و «م» یک بار به عنوان حرف وصل به کار رفته است.

موسیقی درونی: از ویژگی‌های قصاید سلیمی تونی، توجه وی به انواع جناس، تکرار، الف اطلاق، اماله، تخفیف لغات و مشدد کردن مخفف است.

انواع جناس

جناس تامّ

بیند همیشه سود و نینند ز کس زیان
(ق ۵۸، ب ۵۶)

آن کاو بر آستان علی سود رخ چو من

جناس ناقص اختلافی

ز گشته پُشته کنم، در زمان به تیغ دو پیکر
(ق ۳۱، ب ۶۲)

نگاه دار تو این نیزه را به جای عَلم

جناس ناقص افزایشی

پدید گشت بر این طاق نه طباق معَلق
(ق ۴۱، ب ۶)

ز یدِ قدرت صانع هزار گونه صنایع

جناس ناقص حرکتی

کز خواصش لعل گردد سنگ خارا در جبال
(ق ۴۴، ب ۷۷)

هست مُهرِ مهر شاهی بر جبین جان مرا

جناس زاید یا مذیل

شدند سجده‌کنان در برابر بت و بتگر
(ق ۳۱، ب ۳۹)

صدای نعرهٔ اعلیٰ هُبَل زدند به شادی

جناس مرکّب

گه یکی را تاجدار و گه یکی را تاج دار
(ق ۲۸، ب ۵)

مالک الملکی که سازد لطف و قهرش در جهان

جناس لفظی

یکی اندر غزا بی‌مثل و هم‌تا
(ق ۲، ب ۲۹)

یکی اندر قضا بی‌شبه و مانند

تکرار

زهی حکیم و زهی حاکم و زهی حکمت زهی امیر و زهی سرور و زهی سلطان
(ق ۵۳، ب ۷۱)

الف اطلاق

نبی گفتا که برگو قصه شب بگو اندر حضور ای نیک محضر
(ق ۳۰، ب ۱۹)

اماله

اگر هستم تهیدست، از متاع دنیی فانی به حب مرتضی یابم، نعیم ملک جاویدان
(ق ۵۴، ب ۳۰)

تخفیف لغات

برفتند آن چنان تا خانه شاه ندا کردند و استادند بر در
(ق ۳۰، ب ۱۷)

مشدد کردن مخفف

کی رسد در قاف قرب قدر توسیمرغ عقل کاندر آن ره سوخته روح القدس را پر و بال
(ق ۴۲، ب ۵)

۲-۱. بررسی قصاید در سطح لغوی

واژه‌های عربی: در کاربرد واژه‌ها، یکی از موارد قابل توجه، استعمال زیاد واژه‌های عربی در دیوان اوست.

صورت المُنعم المفضل همین معنی بود هو المحیی المُمیت المَعین و النَّصیر
(ق ۳۶، ب ۲۱)

واژه‌ها و برخی ترکیبات سلیمی تونی، که امروزه بیشتر آنها برای فارسی‌زبانان ناآشناست:

«پایگه» به معنی اصطبل، طویله:

شدم در پایگه، گوساله‌ای بود ضعیف و خرد، پس بگشادمش زان
(ق ۵۱، ب ۱۴۴)

«پَزَن‌گر» به معنی طبّاح و آشپز:

مجو شمامه عطّار در دکان پَزَن‌گر
(ق ۳۳، ب ۱۸۹)

ز اهل شرک نسیم ولای شاه نیابی

«ترس‌کاری» به معنی تقوی:

ز ترس‌کاری به حق، ترک کرده بود انکار
(ق ۳۲، ب ۴۲)

چو دید دختر زاهد که شکرگزار، پس و پیش

«خاطرجویی» به معنی دلجویی:

داد اندر دست ایشان گیسوان مشکبار
(ق ۲۹، ب ۵۲)

مصطفی از بهر خاطرجویی آن هر دو شاه

«دربازه» به معنی دروازه:

در و در بازه و بند و کلیدان
(ق ۵۱، ب ۳۶)

دگر باره بزد شاخ و بکنندش

«در زمان» به معنی بلافاصله، فوری:

گفت من بدهم به عشق شه مرادت در زمان
(ق ۵۰، ب ۱۶)

خارجی مشرکی در مجلسش بنشسته بود

«رومال» به معنی حوله، دستمال:

ز آتش حسرت برآید از دل و جانانت شرار
(ق ۲۸، ب ۷۸)

چون ببینی خنجر و رومال خون‌آلود را

«ار» به معنی «اره»:

مثال حرف مشدّد نهند بر سرم ار ار
(ق ۳۳، ب ۱۹۴)

مرا هوای ولایش، ز سر برون نتوان برد

«باب» به معنی بابا، پدر:

کُشت بزغاله، بگو با من که دارم این هوا
(ق ۷، ب ۵۱)

کهنترین می‌گفت با مهتر که باب ما چه‌سان

«فروشیدن» به معنی فروختن:

ز نسل او شده ده گاه و دیگر که پروردم فروشیدم به خلقان
(ق ۵۱، ب ۱۵۱)

«ابر» به معنی اسب:

چنان بلند شد از اذن مرتضی آن ابر که می‌نمود زمین همچو دور گرده نان
(ق ۵۳، ب ۱۷)

استعمال لغات مترادف:

گفته ثنا و حمد، خدا و پیغمبرش زیرا که هست لایق حمد و ثنا، علی
(ق ۶۷، ب ۱۰)

ترکیبات: ترکیب‌سازی در قصاید سلیمی تونی بسامد بالایی دارد:

در ذیل به چند مورد از این ترکیبات می‌پردازیم:

استفاده از اعداد در ترکیب‌سازی:

فضایل و مدح شاه مردان، به چشم معنی، بین - زشش جهات و زچارارکان، زنه‌سپهر و زهفت اختر
(ق ۲۴، ب ۸)

استفاده از ابیات و عبارات عربی:

بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ يَا خَلَّاقَ أَصْنَافِ الْوَرَى مُبْدِعَ الْأَعْيَانِ يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى
(ق ۸، ب ۱)

استفاده از ترکیبات وصفی مقلوب:

بود پنجم روز کز دنیای فانی رفته بود حضرت صدر رسالت جانب دارالبقا
(ق ۸، ب ۴۷)

۳-۱. بررسی قصاید در سطوح نحوی

قصاید سلیمی تونی در این سطح هم نکاتی به شرح زیر دربر دارد:

جمع بستن کلمات جمع عربی (بیشتر جمع مکسر) با ادات جمع فارسی:

از کتب‌ها چهار دیگر کان بود مشهورتر بهر داوود نبی آمد زیور از ابتدا
(ق ۱۰، ب ۷۵)

افزودن «تر» به اسم تفضیل:

گفتا نبی که هر که من اولی ترم به وی
اولی بود علی، بود این والی ولا
(ق ۱۵، ب ۲۴)

اتصال ضمیر به حرف ربط:

هست اندر خانه تاریک آن خرس سیاه
خیز، کش بینی به کام خویش و گردی شادمان
(ق ۵۰، ب ۵۸)

تقدّم فعل بر فاعل و مفعول:

بگش این گاو را تو بی درنگی
میندیش و مرا زین درد برهان
(ق ۵۱، ب ۳۹)

آوردن واو عطف در آغاز کلام:

هست این ذکر صحیح از قول و از اقرار من
وین کتابت هم که صادر شد بود شاهد بر آن
(ق ۵۷، ب ۲۹)

آوردن حرف اضافه پس از صفت مبهم «هر» و پیش از موصوف:

«هر به هفته» به جای «به هر هفته» این شیوه گفتار در گویش روزمره کاشان به کار می‌رود.
چنان به زهد و عبادت مشغول می‌بود
که هر به هفته، یک شب نموده بود افطار
(ق ۳۲، ب ۱۲)

فعل امر با «می»:

گفت با حیدر نبی با جامه‌ها می‌ریز آب
تا به صنع خویشتن رنگش دهد صورت نگار
(ق ۲۹، ب ۲۱)

«نه» در نقش قید نفی:

گر آب رحمت تو نه تسکین ما دهد
از آتش عذاب برآید ز ما دخان
(ق ۵۸، ب ۳۷)

فعل امر بدون «ب»:

چون محیط علم و حکمت مرتضای مجتبی - ره بدان سرچشمه بر تا بخشدت آب زلال است
(ق ۴۴، ب ۵)

حرف اضافه مضاعف:

چو شب شد فکرمی کردم بسی باخوشتن کآیا به تیغ او را گُشم به یا خود اندازم به آتش در
(ق ۲۶، ب ۶)

جابه‌جایی ضمیر:

با خشم لوک جست ز حجره معارضم ار وانا یستد همچو شتر گیرمش مهار
(ق ۳۴، ب ۲۵)

«را» علامت حرف اضافه:

آن وصیی که انبیا را بود به گه رنج و ابـتلا یاور
(ق ۳۵، ب ۴)

مطابقت صفت و موصوف:

از راه قدر حضرت حق با ملایکه صلوات زاکیات فرستد تو را تحف
(ق ۴۰، ب ۳)

۲- سطح فکری:

سلیمی تونی در این سطح نیز دارای ویژگی‌هایی است که نشانگر غنای فکری اوست. او شاعری نکته‌سنج و مضمون‌آفرین است. همان‌طوری که شاعران این دوره، شاعرانی بودند که به نکته‌یابی و نکته‌گویی توجه بسیار داشتند و به ایراد مضامین دیرپاب و نکته‌های باریک در شعر توجه خاصی نشان می‌دادند. از ویژگی‌های شعر این دوره، تقلید شاعران از گویندگان پیشین یا معاصران است. بیشترین استقبال سلیمی تونی نیز از سخن پیشینیان، از شعر مولانا حسن کاشی بوده است.

«مضامین شعری این دوره برحسب احوال اجتماع و اوضاع سیاسی که در ایران پیش آمد، نسبت به ادوار سابق اندکی تفاوت یافت. موارد مهم این تفاوت‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- ۱- رواج و توسعه اشعار مذهبی ۲- رواج و توسعه فنّ معمّاسرای ۳- ورود پاره‌ای مضامین خشک عرفانی در شعر ۴- تقلیل اشعار حماسی

مضامین عمده شعر این دوره را می‌توان این‌گونه تقسیم کرد: اشعار وصفی، عشقی، عرفانی، مذهبی، حماسی، مدحی، رثا، بشارت‌شکوی، هجو، مطایبه، ماده تاریخ‌سرایی و غیره». (حاکمی، ۱۳۸۰: ۷۲)

۱-۲. استقبال‌های سلیمی از حسن کاشی و دیگران:

بیشترین استقبال سلیمی از سخن پیشینیان، از شعر مولانا حسن کاشی است. در استقبال قصیده مولانا حسن کاشی که به پیروی خاقانی سروده، سلیمی با حفظ ردیف، قافیه را تغییر داده و در این قصیده با ذکر نام مولانا حسن و تمجید از او به مقایسه کار خود با وی پرداخته است.

مولانا حسن:

هر سحر کز موج این دریای گوهرزای من گوهر معنی دهد فکر فلک‌پیمای من
(مقدمه دیوان سلیمی، ۱۳۹۰: ۴۸)

سلیمی:

در ازل چون آفرید ایزد به قدرت جان من بست با حبّ امیرالمؤمنین ایمان من
(ق ۵۵، ب ۱)

مولانا حسن:

به قول ایزد منّان امام دین علی را دان که هست از غایت عزّت ثنائش جمله قرآن
(مقدمه دیوان سلیمی، ۱۳۹۰: ۴۹)

سلیمی:

الا ای مؤمن صادق، اگر حق گویی و حق‌دان علی را حجّت حق گوی و راه او، ره حق دان
(ق ۵۴، ب ۱)

مولانا حسن:

در ابتدای جهان، لطف ایزد متعال چون می‌نهاد اساس جهان علی‌الاجمال
(مقدمه دیوان سلیمی، ۱۳۹۰: ۴۹)

سلیمی:

در ابتدای سخن نام ایزد متعال بود مبارک و فرخنده و همایون فال
(ق ۴۳، ب ۱)

۲-۲. اشعار مذهبی:

سلیمی، مسلمانانی مؤمن و پاک‌اعتقاد و پای‌بند به باورهای اسلامی و مذهب تشیع بود. و «مقصود از اشعار مذهبی، اشعاری است که شاعر در ستایش خدا و مدح و منقبت حضرت رسول (ص) و ائمهٔ دین (ع) یا در زمینه‌های اعتقادی دیگر سروده است. این نوع شعر از دیرباز مورد توجه شاعران مسلمان ایرانی بوده است.» (خاتمی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۱۵)

سرتاسر دیوان وی که مناقب و مدایح پیامبر و علی علیه‌السلام و خاندان رسالت و ائمهٔ معصومین است، با شور و حالی خاص بیان شده که خلوص عقیدهٔ سراینده را روشن می‌کند. نمونه‌ای از این گفتار:

نقد جانم بر سر بازار دین یابد رواج	هست مهر مهر شه چون سکهٔ ایمان من
تا مرا دادند از بحر محبت قطره‌ای	می‌زند موج از مدایح بحر چون عمان من
گشت گویا در مدیح مرتضای مجتبی	طوطی نطق شکرگفتار مدحت‌خوان من

(ق ۵۵: ۲۱۹)

شفاعت پنج تن آل‌عبا در عرصهٔ محشر:

محمد و علی و فاطمه، حسین و حسن	شفیع زلت ما ساز روز عرصهٔ محشر
--------------------------------	--------------------------------

(ق ۳۳، ب ۱۹۹)

کاربرد آیات قرآنی و احادیث نبوی در کلامش، حاکی از آشنایی کامل او بر این دو مأخذ است. و با برخورداری از حافظه‌ای قوی از بسیاری از پیامبران پیشین و صلحای متقدم و رجال صدر اسلام و ائمهٔ دین و اوصاف آنان یاد می‌کند:

به حق آدم و شیث و حق نوح پیغمبر	که بگرفت از دعای او همه ملک جهان طوفان
به هود و صالح و یونس، به یاس و خضر آن کو	حیات جاودانی یافت ز آب چشمهٔ حیوان

(ق ۵۹: ۲۳۷)

۲-۳. به‌کارگیری اشارات و اصطلاحات گوناگون در قصاید

از ویژگی‌های دیگر شاعر در قصایدش، استفادهٔ وی از اشارات تاریخی و داستانی، اشارات دینی و قرآنی، اصطلاحات عرفانی، اصطلاحات نجومی و اصطلاحات فلسفی است.

۱- اشاره‌های تاریخی و داستانی

گفت ذوالقرنین شرق و غرب عالم را بگشت
هیچ از آن گشتن نشد ظاهر به جز رنج و عنا
(ق ۱۰، ب ۷۰)

ذوالقرنین یک شخصیت تاریخی یا افسانه‌ای است که در قرآن کریم به عنوان کسی که خداوند او را با قدرت و حکمت خاصی آفریده است، معرفی می‌شود. او به دلیل اعمال نیک و قدرتمندیش، توانست بین بشر و قوم یاجوج و ماجوج یک دیوار بنا کند. او فتوحات بسیاری را در شرق و غرب جهان انجام داد که داستان او در سوره کهف آمده است.

از میان ظلمت شب خضروار آید برون
پرتو نور افکند بر هفت کشور آفتاب
(ق ۱۶، ب ۲)

داستان خضر به یک شخصیت اسطوره‌ای در اسلام اشاره دارد که با حضرت موسی (ع) ملاقات و همراهی می‌کند. به اعتقاد مسلمانان، خضر طولانی‌ترین عمر را در میان فرزندان آدم دارد.

۲- اشاره‌های دینی و قرآنی

گرچه موسی را به معجز شد عصا ثعبان ولی
زیر حکم و طاعت آن شاه ثعبان می‌رود
(ق ۲۰، ب ۱۷)

این بیت اشاره دارد به معجزه تبدیل شدن عصای حضرت موسی (ع) به اژدها

به حکم آیت یا ایها الرسول امامت
بر آن امام به روز غدیر گشت مقرر
(ق ۳۳، ب ۵۲)

واقعه غدیر از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام است که در آن پیامبر اکرم (ص) هنگام بازگشت از حجه الوداع در ۱۸ ذی الحجه سال دهم هجری قمری در غدیر خم، امام علی (ع) را جانشین خود معرفی کرد. حاضران در آن واقعه که بزرگان صحابه نیز در میانشان بودند، با امام علی (ع) بیعت کردند.

۳- اصطلاحات عرفانی

عزم‌نواکن، میل‌رضاکن، بهر‌صفاکن، روی‌برآن‌در	روبه‌خداکن، غیررهاکن، ترک‌فناکن، برگ‌بقاکن
(ق ۲۳، ب ۲۴)	
حکم‌توبرکُل، میرسرپِل، صاحب‌دُل‌دل، خواجه‌قنبر	فقر و توکُل، صبر و تحمَل، فخر و تفضُل، جود و تبدُل
(ق ۲۳، ب ۸)	

۴- اصطلاحات نجومی

مهر و مه، بهرام و کیوان، مشتری، ناهید و تیر	در ده و دو برج باشد سیر این هفت اختران
(ق ۳۶، ب ۴۱)	
می‌کند دَوری ده و دو سال بر چرخِ اثیر	مشتری کاو قاضی افلاک و سعد اکبر است
(ق ۳۶، ب ۴۲)	

۵- اصطلاحات فلسفی

منزّه است ز چون و چه و ز جسم و ز جوهر	قدیم لم‌یزل و حیّ لایزال که ذاتش
(ق ۳۱، ب ۲)	
به نور جوهر جان جسم انسان	حکیمی کز سر حکمت بیاراست
(ق ۵۲، ب ۵)	

۳- سطح ادبی:

قصاید سلیمی تونی، در سطح ادبی نیز دارای ویژگی‌هایی بوده و شاعر از صنایع ادبی مختلفی استفاده کرده است. هرچند در این دوره، شعر به سادگی می‌گراید، اما در همان حال، علاقه خاصی به آرایش‌های لفظی و معنوی در میان گویندگان زمان ملاحظه می‌شود. شاعران توجه خاصی به ایراد تشبیهات و استعارات و مجازها داشتند. «از انواع شعر که در عهد تیموری زیاد مورد توجه و علاقه شعرا بوده، غزل است. غزل‌های این عهد بیشتر متضمن افکار و مضامین دقیق بود. شاید یکی از علل این امر، توجهی باشد که ایرانیان بعد از حمله مغول به امور معنوی پیدا کرده و از عوالم مادی منصرف گشته بودند. این امر باعث گردید که به تدریج، شعرا به اوهام و خیالات باریک و دقیق بیشتر متوجه شوند و تخیلات دور و دراز را در الفاظ کم بگنجانند. انواع شعر از لحاظ صورت شامل قالبهای غزل، قصیده،

مثنوی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، رباعی، مستزاد و مسمط بوده است. صنایع شعری این دوره عبارت بوده است از: اغراق، مراعات‌نظیر، اعنات، انواع تجنیس، ایهام، لف و نشر، تقسیم و مانند اینها». (حاکمی، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۰)

وجود انواع صورخیال، تصاویر، تشبیهات، انواع صنایع لفظی و معنوی، مضمون‌آفرینی‌ها و نازک-خیالی‌ها در شعر سلیمی تونی، بیانگر آن است که سلیمی با فنون بلاغی کاملاً آشنا بوده و به فراوانی از گونه‌ها و نمونه‌های مختلف آن در شعر سود جسته و کوشیده است با به‌کارگیری انواع تشبیه، استعاره، کنایه و نیز انواع آرایه‌های بدیع معنوی، شعر خود را هنری‌تر نماید. در زیر به نمونه‌هایی از صنایع ادبی به‌کار رفته در قصاید شاعر اشاره می‌شود:

استعاره

استعاره، تشبیه فشرده است؛ «بدین ترتیب که از جمله، ارکان تشبیه، مشبّه و وجه‌شبه و ادات تشبیه را حذف کنیم به‌نحوی که فقط مشبّه‌به باقی بماند، به این مشبّه‌به، استعاره می‌گویند». (شمیسا، ۱۳۷۵: ۵۷) استعاره از تشبیه رساتر است. «چرا که از جهتی در استعاره چنین به نظر می‌رسد که میان مشبّه و مشبّه‌به فرقی نیست و از جهتی دیگر ذهن برای یافتن استعاره به کوشش بیشتری نیاز دارد». (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۹۹)

«استعاره، بزرگ‌ترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه زبان هنری است و دیگر از آن پیش‌تر نمی‌توان رفت. استعاره، کارآمدترین ابزار تخیل و به‌اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است». (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۴۲)

استعاره مکنیه

و آن‌چنان است که «متکلم در نفس خود چیزی را به چیزی تشبیه کند و از ارکان آن فقط مشبّه را ذکر کرده و بعضی از لوازم و خصوصیات مشبّه‌به را برای مشبّه آورد تا دلالت کند بر این تشبیه، در اینجا این تشبیه مضمّر را استعاره مکنیه یا استعاره بالکنایه گویند». (رجایی، ۱۳۷۹: ۳۰۵) «آن‌گاه که تشبیهی در ذهن و خیال گوینده، پنهان و مستور باشد، اما برای بیان این تشبیه، لفظ مشبّه را ذکر کند و مشبّه‌به را حذف نماید، و در عوض یکی از لوازم مشبّه‌به را ذکر کند و مشبّه‌به را حذف نماید، و در عوض یکی از لوازم مشبّه‌به را ذکر کند و به مشبّه اسناد دهد». (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۱)

شاعر، از استعارهٔ مکنیه به وفور در اشعار خود بهره جسته که بیانگر ذهن سیال و آفرینشگر اوست. بسامد اضافهٔ استعاری در قصاید سلیمی تونی خیلی بالاست.

پشت محراب است خم از محنت بار فراق زانکه او را خالی از صدر رسالت دید جا

(ق ۸، ب ۵۵)

تا که دارم دست دل در دامن حُبّ علی پای قدرم بر سر گردون گردان می‌رود

(ق ۲۰، ب ۴۰)

استعارهٔ مصرّحه

استعارهٔ مصرّحه «به کار بردن واژه‌ای به جای واژهٔ دیگر به علاقهٔ مشابهت (به شرط وجود قرینه) است. یا تشبیهی که از آن فقط مشبّه به جا مانده باشد.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۴۵)

استاد همایی هم معتقد است «این استعاره را علی‌المشهور، مصرّحه و محقّقه و حقیقه هر سه خوانند و عبارت است از آن که مشبّه به را بیاورند و مشبّه را حذف کنند.» (همایی، ۱۳۷۰: ۲۵۰)

شاعر، از استعارهٔ مصرّحه نیز به خوبی بهره‌مند بوده و نمونه‌های نسبتاً خوبی از این نوع استعاره، ارائه داده است.

رفت اندر خانه باب خویشتن افتاده بود رنگ لعلش گشته از آسیب سم چون کهربا

(ق ۱۱، ب ۷۳)

در این بیت، لعل استعاره از لب سرخ است.

زان رو نهاده‌ایم پی اشتر تو چشم تا پی برم به حجره‌ات ای سرو گل عذار

(ق ۳۴، ب ۲)

در این بیت، سرو گل عذار استعاره از محبوب و معشوق است.

تشبیه

تشبیه، یکی از پردامنه‌ترین و دل‌انگیزترین مباحث علم بیان است. «تشبیه ادّعای ماندگی بین دو چیز است.» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۳۴) تشبیه از عناصر خیال‌انگیز شعر است و به معنی «بیان مشارکت دو چیز است در وصفی از اوصاف به توسط الفاظ مخصوص.» (رجایی، ۱۳۷۹: ۲۴۴) «مایهٔ اصلی تشبیه، اغراق و خیال‌انگیزی است. شاعر به جهت علاقه یا نفرتی که نسبت به اشخاص و اشیای مورد نظر دارد، سعی می‌کند آنها را برتر و یا فروتر از آنچه هستند، نشان دهد.» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۸۵)

تشبیهات تازه و غریب و گاه بسیار زیبا و لطیف در اشعار سلیمی تونی فراوان به چشم می‌خورد.

انواع تشبیه

تشبیه حسی به حسی

ناقه تن را پر از بار معاصی می‌کشیم تا که در غار لحد سازند اسیر و مبتلا
(ق ۸، ب ۱۰۶)

تشبیه عقلی به حسی

چو اشتر زیر بار آمد عدو در حجره محنت چنان کاندز زمانه نیست پیدا اشتر و حجره
(ق ۶۴، ب ۱۹)

تشبیه عقلی به عقلی

گر گنه‌کاریم می‌داریم امید نجات از ولای شاه دین‌پرور امیرالمؤمنین
(ق ۶۲، ب ۱۳)

تشبیه مفروق

نبی چو عرش معظم، علی سپهر مکرم حسن چو نیر اعظم، حسین چون مه تابان
(ق ۶۱، ب ۳)

تشبیه مشروط

لبش چو لعل اگر لعل را بُدی گفتن قدش چو سرو اگر سرو را بُدی رفتار
(ق ۳۲، ب ۱۴)

کاربرد اضافه‌های تشبیهی

در قصاید سلیمی تونی، ترکیبات اضافی، به‌ویژه اضافه‌های تشبیهی زیاد به کار رفته است. اهمیت اضافه‌های تشبیهی در این است که در خیال‌انگیزی کلام نقش دارد. «اضافه‌های تشبیهی بخصوص اضافه‌ای که در آن مشبّه‌به، به مشبّه اضافه می‌شود، از زیبایی بیشتری برخوردارند و به استعاره نزدیک‌ترند.» (احمد نژاد، ۱۳۷۲: ۸۸)

در زیر برخی از اضافه‌های تشبیهی که در قصاید شاعر به کار رفته است، ذکر می‌گردد:

زندان تن - مرغ روح - آیت رحمت - خوان کرم - کشور دین - بحر دوستی - کعبه مقصود - بلبل طبع - بحر غفران - بُراق فکر - بحر معانی - باغ مروّت - باغ علم - حجره معنی - سیمرغ عقل - بحر سخن.

در این ترکیبات، اکثر مضاف‌الیه‌ها، اسم معنی و امری ذهنی است که نشان می‌دهد، شاعر به لحاظ روحی، انسان معناگراست و از این طریق سعی دارد امور ذهنی را برای مخاطب عینی و ملموس نماید.

کنایه

کنایه، آخرین باب از ابواب چهارگانه علم بیان سنتی و از عناصر زیبایی‌آفرین کلام است. «کنایه به معنی پوشیده سخن گفتن و ترک تصریح است و در اصطلاح علم بیان، ذکر ملزوم و اراده لازم است؛ یعنی به کار بردن کلمه است در معنی یکی از لوازم آن کلمه. در کنایه قرینه‌ای که مانع از اراده معنی حقیقی باشد، وجود ندارد و تفاوت کنایه با مجاز و استعاره، در این است که در کنایه، اراده معنی اصلی ممکن است، اما در مجاز و استعاره، اراده معنی اصلی ممکن نیست. در واقع کنایه نوعی مجاز است که ایهام نیز دارد و این خصوصیت کنایه سبب می‌شود که ملموس‌تر از مجاز و استعاره باشد، چرا که معنی حقیقی آن نیز درست و پذیرفتنی است. چون درک معنی کنایی نیاز به تأمل و تیزهوشی دارد، لطفی به کلام می‌بخشد و حتی به کلام عادی، رنگی از شعر و خیال‌انگیزی می‌دهد.» (همان: ۱۰۵، ۱۰۶) «کنایه به لحاظ الفاظ و معنای ظاهری (مکتبی‌به) در محور همنشینی و به لحاظ معنای باطنی که مراد گوینده است (مکتبی‌عنه) در محور همنشینی است. از آنجا که کنایه نیز رسیدن از یک سطح به سطح دیگر است و ارتباطی بین دو سوی حاضر و غایب ایجاد می‌کند، جنبه هنری و ادبی دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۳۶) شاعر، در کاربرد انواع کنایات، استاد و چیره‌دست بوده است. او در استفاده از کنایات کاملاً استادانه عمل می‌کند. بیشترین کنایه‌هایی که سلیمی تونی در اشعار خود از آنها بهره گرفته، کنایه اسمی است. در قصاید سلیمی تونی، کنایه از بسامد بالایی برخوردار است.

در زیر به چند نمونه از کنایات وی اشاره می‌کنیم:

رخت بر بستن: کنایه از سفر کردن

می‌کنی جایی عمارت کاید اینجا چون اجل گویدت بگذار جای و رخت را بر بند هان
(ق ۵۷، ب ۲)

دمار بر آوردن: کنایه از به هلاکت رسانیدن

تبر آهنین تبراً سـاز وز خـوارج بـدان بـرآر دـمار
(ق ۲۵، ب ۳۴)

گنبد اخضر: کنایه از آسمان

علی سوار شد و برکشید تیغ دوسر را رساند نعره و تکییر را به گنبد خضرا
(ق ۴۱، ب ۱)

زورق زرین: کنایه از خورشید

رسید زورق زرین به ساحل و عجب این است که غرف گشت به سوی کنار آمده زورق
(ق ۴۱، ب ۲)

این خاکدان: کنایه از دنیا

بی‌شک از عالم علم بر جنت اعلی زند هر که با حبّ علی زین خاکدان کرد ارتحال
(ق ۴۲، ب ۳۰)

تلمیح

« تلمیح، اشاره به داستان یا قصّه، یا آیه و حدیث است در شعر » (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۵)

گرچه موسی را به معجز شد عصا ثعبان ولی زیر حکم و طاعت آن شاه ثعبان می‌رود
(ق ۲۰، ب ۱۷)

از جمله معجزات بارز حضرت موسی (ع)، تبدیل شدن عصای او به اژدهای بزرگ (ثعبان مبین) است که خدای متعال در قرآن به آن اشاره کرده است.

تصدیر

تصدیر، در بیان ردّ العجز علی الصّدر مرقوم می گردد. (معزّی، ۱۳۶۲: ۱۳۱) «آن لفظی است که در اوّل بیت و جمله نثر آمده است، همان را به بعینه یا کلمه شبیه متجانس آن را در آخر بیت و جمله نثر باز آرند.» (همایی، ۱۳۷۱: ۶۷)

الوداع ای ذات تو مقصود کلّ کاینات الوداع ای سُدّه بوست مقصد جان، الوداع
(ق ۳۸، ب ۲)

تنسیق الصّفات

تنسیق در لغت، پیوستن سخن باشد بر یک نسق، و در اصطلاح «چنان است که از برای شیئی صفات متوالیه ذکر کنند.» (معزّی، ۱۳۶۲: ۱۳۲)

خداوند عطابخش خطاپوش کریم کارساز بنده پرور
(ق ۳۰، ب ۲)

شاعر برای خداوند پنج صفت متوالی «عطابخش، خطاپوش، کریم، کارساز و بنده پرور» را ذکر کرده است.

ارسال المثل

«ارسال در لغت فرستادن باشد و مثل چیزی بود که بدان متمثل شوند و این صنعت چنان است که شاعر بنا بر ازدیاد شهرت، کلام خود را به مثلی مشهور بیاراید.» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۲۰)

زین جهان گر زان که ننشیند کلاغم بر کلوخ شاهباز ملک فضلم، نیست زان نقصان من
(ق ۵۵، ب ۲۴)

کلاغ بر کلوخ، یک ضرب المثل بیرجندی است. ضرب المثل «کلاغ بر کلوخ» به معنای تلاش برای انجام کاری که با ویژگی ها و توانایی های فرد سازگار نیست یا تلاش برای رسیدن به چیزی که برایش مناسب نیست، اشاره دارد.

ایهام

«در لغت به معنی به گمان و وهم افکندن، و در اصطلاح بدیع آن است که لفظی بیاورند که دارای دو معنی نزدیک و دور از ذهن باشد و آن را طوری به کار ببرند که شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل شود.» (همایی، ۱۳۷۱: ۲۶۹)

از ازل با حبّ آن شه داده حق حالی مرا زرد رو هرگز نگردد آن که دارد رنگ آل
(ق ۴۲، ب ۳۴)

در این بیت کلمه «آل»، در دو معنی خاندان و سرخ به کار رفته است.

ترصیع

«اگر کلمات قرینه در دو مصراع علاوه بر هم وزنی، از نظر حرف آخر نیز یکسان باشند، موازنه تبدیل به ترصیع می شود.» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۱۳)

بود نجات ازل در ولای آل تو مدغم بود عذاب ابد در خلاف حکم تو مضمر
(ق ۳۱، ب ۸۲)

لفّ و نشر

«لفّ در اصل لغت به معنی پیچیدن و تا کردن، و نشر به معنی گسترده و باز کردن است، و در اصطلاح فنّ بدیع آن است که ابتدا چند چیز را در کلام بیاورند، آن گاه چند امر دیگر از قبیل صفات یا افعال بیاورند که هر کدام از آنها به یکی از آن چیزها که در اوّل گفته اند، راجع و مربوط باشد، اما تعیین نکنند که کدام یک از آن امور به کدام یک از آن اشیاء بر می گردد، بلکه آن را به فهم و ذوق شنونده باز گذارند، کلماتی را که در اوّل آورده اند، لفّ و اموری را که به آنها بر می گردد، نشر می گویند.» (همایی، ۱۳۷۱: ۲۷۹)

یارب به عزّت حسن و حرمت حسین مسموم کین دشمن و مظلوم کربلا
(ق ۵، ب ۳۶)

در بیت فوق، مسموم کین دشمن مربوط به حسن (ع) و مظلوم کربلا مربوط به حسین (ع) است.

طرد و عکس

«عکس (تبدیل و طرد)، جابه جا کردن همه یا قسمتی از کلمات قرینه است در نظم یا نشر.

گاهی ممکن است تغییر جای کلمات، تغییری در معنی پدید نیاورد؛ و گاهی تغییر جای کلمات، تغییر معنی نیز به همراه دارد و این بر زیبایی کلام می افزاید.» (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

ما همه جُرم و خطا، تو همه لطف و کرم تو همه لطف و کرم، ما همه جُرم و خطا
(ق ۱۳، ب ۲۶)

ملَمَع

«ملَمَع در لغت رنگارنگ گردانیدن باشد و در اصطلاح آن است که شاعر بعضی از اشعار خود را به لغت فارسی گوید و بعضی به لغت دیگر. چون این شعر به چند رنگ بر می آید، آن را ملَمَع گفتند.» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۵۰)

گفته در وصف جوانمردی و تیغش جبرئیل لافتی اَلَا علی لا سیف اَلَا ذوالفقار
(ق ۲۸، ب ۴۶)

نتیجه‌گیری

سلیمی تونی از شعرای قرن نهم هجری قمری و از مشهورترین شاعران منقبت‌سرای شیعی است که ضمن طبع‌آزمایی در انواع شعر، به لحاظ فکری و نیز ویژگی‌های زبانی، امتیاز قابل‌قبولی در میان شاعران دوره خود دارد. دیوان وی شامل قصیده، مثنوی، ترکیب‌بند، مسمط و قطعه است. وی در قصایدش، به مدح و منقبت پیامبر (ص) و علی (ع) و خاندان رسالت و ائمه معصومین علیهم‌السلام پرداخته است. بیشترین بسامد اوزان قصاید شاعر، متعلق به بحر رمل و کمترین بسامد مربوط به بحر رجز است که تنها یک بار از آن استفاده شده است. از مجموع شصت و هفت قصیده دیوان اشعار وی، پنجاه و شش قصیده بدون ردیف و یازده قصیده دارای ردیف هستند. و در ردیف‌گرایش به افعال ساده دارد و همه قصایدش دارای قافیه اسمی هستند. ترکیب‌سازی در قصاید او بسامد بالایی دارد. شاعر در قصاید خود از اشارات تاریخی و داستانی، دینی و قرآنی و اصطلاحات عرفانی، نجومی و فلسفی زیادی بهره برده است. تشبیهات تازه و غریب و گاهی بسیار زیبا و لطیف در اشعار وی فراوان به چشم می‌خورد. کمتر بیتی در دیوانش می‌توان یافت که خالی از تشبیه باشد. شاعر از صنایع ادبی مختلفی استفاده کرده است که در این میان، انواع جناس، تلمیح، کنایه و اضافه‌های تشبیهی از بسامد بالایی برخوردار است.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتاب‌ها

- ۱- احمدنژاد، کامل، (۱۳۷۲)، *فنون ادبی*، چاپ اول، تهران: انتشارات پایا.
- ۲- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، (۱۳۸۹)، *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*، جلد ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- ۳- خاتمی، احمد، (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی*، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات پایا.
- ۴- رجایی، محمدخلیل، (۱۳۷۹)، *معالم‌البلاغه*، چاپ پنجم، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ۵- سلیمی تونی، تاج‌الدین حسن، (۱۳۹۰)، *دیوان سلیمی تونی*، به کوشش سیدعباس رستاخیز، با مقدمه حسن عاطفی، چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، *موسیقی شعر*، چاپ پنجم، تهران: چاپ نقش جهان.
- ۷- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۱)، *بیان*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۸- -----، (۱۳۷۵)، *بیان و معانی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۹- -----، (۱۳۷۵)، *کلیات سبک‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۰- علوی مقدم، محمد، اشرف‌زاده، رضا، (۱۳۷۹)، *معانی و بیان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱- معزی، نجفقلی میرزا، (۱۳۶۲)، *دُرّه نجفی*، با تصحیح و تعلیقات و حواشی حسین آهی، چاپ اول، تهران: انتشارات فروغی.
- ۱۲- نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، جلد ۱، تهران: انتشارات فروغی.
- ۱۳- واعظ کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین، (۱۳۶۹)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، با مقدمه و تصحیح میرجلال‌الدین کرآزی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۱۴- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۱)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه نشر هما.

ب: مقالات

- ۱۴- حاکمی، اسماعیل، (۱۳۸۰)، «نکاتی پیرامون سبک شعر فارسی در دوره تیموری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۷۴-۶۵.